پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، انجمن مطالعات جهان اسلام
فصلنامه علمی (مقاله علمی - پژوهشی) پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، سال دهم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۹، صص ۲۰۹ - ۱۷۹

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۱۰۰۴۰۸

الگوهای تضاد و همکاری در روابط ایران و ترکیه در دوره دولت اردوغان در چارچوب سازه انگاری

سید محمد موسوی [۱]

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۴/۱۴ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۷/۰۱

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

چکیده

ترکیه و ایران هردو از دیرباز جزو بازیگران قدرتمند منطقه اي هستند که تلاش مي کنند قدرت و نفوذ خود را در آسیای غربی افزایش دهند. با به قدرت رسیدن اسلام گرایان ترکیه در سال ۲۰۰۲ و پیروزی حزب عدالت و توسعه، الگویی ازسیاست گذاری خارجی توسط رهبران سیاسی این کشور تحت عنوان «نوعثمانی گری» شکل گرفت. هدف نوعثمانی گری ترکیه احیای نفوذ فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و حتی نظامی این کشور در مناطقی بود که در گذشته تاریخی نه چندان دور جزوامپراطوری عثمانی محسوب می شدند. اتخاذ و پیگیری این سیاست مسائل اساسی در روابط ایران و ترکیه بوجود آورد. بررسی چرایی وچگونگی این برخورد منافع که بیشتر متأثر از سیاست خارجی نوعثمانی گری ترکیه نتیجه می شود، هدف این مقاله است. یافته های تحقیق در چارچوب نظریه سازه انگاری که به روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه ای و اسنادی بدست آمده، گویای آن است که هویت و هنجارهای سیاست گذاران دولت اسلام گرای ترکیه با سیاست گذاران ایرانی در تضاد است؛ لذا مشاهده می شود که نوعثمانی گری ترکیه موجب برخورد منافع دو کشور در منطقه خاورمیانه را ایجاد کرده است . از سوی دیگر، فرصت های امینتی، همکاری های اقتصادی و همکاری در حل تعارضات منطقه ای همگرایی دو کشور را اجتناب ناپذیر کرده است.

واژه‌های کلیدی: روابط خارجی»، «سازه انگاری»، آسیای غربی»، «تعارضات منطقه ای» ، «داعش»

۱. دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه پیام نور،ایران. s46mosavi@yahoo.com

Copyright © 2010, SAIWS (Scientific Association of Islamic World Studies). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.4.8.5]

۱. مقدمه

منطقه خاورميانه به دليل شرايط خاص و ژئوپوليتيكي خود و حضور قدرت های بزرگ، موجب شده است، تحليل مسائل اين منطقه از جهان به يكي از پوياترين مباحث در حوزه مطالعات بين المللي تبديل شود.زيرا از يک سو،ظهور انقلاب هاي عربي در خاورميانه، مسأله سوريه، ظهور گروه هاي تندرو و حمله همه جانبه به عراق و مباحث كردها در منطقه كه به عنوان بخشی از ساكنان حوزه تمدن ايرانی علاوه بر استقرار در ايران، در بخش هايی از تركيه،عراق، سوريه، ارمنستان و جمهوری آذربايجان و بخش هايی از قفقاز و حتی بخش هايی از آسيای ميانه پراكنده هستند، يكی از مهمترين مباحثی است كه كشورهای زيادی را درگير نموده است. كشور هايي مانند ايران، تركيه، عربستان و مصر با توجه به شرايط جديد به وجود آمده در منطقه در پي استفاده مطلوب از فرصت هاي جديد و نفوذ در منطقه بر آمدند. با اين پيش فرض يكي از مسائلي كه نمي توان ساده به آن نگاه كرد و نيازمند بررسي جامع و تخصصي است، روابط دو طرفه كشورهاي قدرتمند منطقه علی الخصوص كشورهاي تاثير گذاري مانند ايران و تركيه خواهد بود كه همگرايي بين دو كشور، بعد از به قدرت رسيدن حزب عدالت و توسعه در تركيه و در دوران اردوغان يک روند مطلوب را تجربه كرد. با وقوع تحولاتي كه در سالهاي گذشته در شرايط منطقه اي و بين المللي به وجود آمده است، گرايش اسلام گرايان ترک به ايران بيشتر از گذشته شده است. علت اين امر را مي توان در دو مقوله "ديپلماسي تجارت" و "انزواي منطقه اي تركيه" جستجو كرد. تركيه، به عنوان بخشي از "سياست عدم مشكل با همسايگان خود"، در سال هاي اخير بر روي بهبود روابط خود با ايران كه اساس آن در انگيزه هاي اقتصادي قرار دارد، كار كرده است.

همگرايي از سوي هر دو كشور با وجود مشتركات ســـياسي، به صورت جدي و در راستاي تامين نياز هاي دو طرف دنبال شده است. اين در حالي است كه در تاريخ روابط دو كشور شاهد تنش هاي جدي نيز بر سر مسائل منطقه و بين المللي بوده ايم. رويدادهاي سوريه و اتخاذ سياست ها در قبال حكومت سوريه از سوي دو كشور تنش زا ترين مسأله به وجود آمده در سال هاي اخير بوده كه موجب تيرگي روابط دو رقيب ديرينه شده است. تركيه در اتخاذ و پي گيري سياست هاي خارجي در منطقه در مورد حكومت سوريه، همگرايي با داعش، همچنين حمايت

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.4.8.5]

از اخوان المسلمين در مصر و بستن شمشير از رو براي حاكمان نظامي مصر و ايجاد چالش با ايالت متحده آمريكا خود را در يک انزواي منطقه اي احساس و در جست و جوي فرصت هايي جديد در منطقه براي پيش برد اهداف تجاري خود كه اساس سياست خارجي تركيه را شامل مي شود، بر آمده است. بررسی چرایی وچگونگی این برخورد منافع و تعامل در روابط ایران و ترکیه هدف این مقاله است. پژوهش حار برمبنا و در چارچوب نظریه سازه انگاری به روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه ای و اسنادی سرانجام یافته است.

۲. چارچوب نظری: سازه انگاري

پیشینه سازه‌انگاری تا قبل از آنکه در روابط بین‌الملل مطرح گردد به جامعه شناسی سیاسی بازمی‌گردد (قوام، ۲۲۳:۱۳۸۸)،اما از اواخر ۱۹۸۰ و اوایل ۱۹۹۰ سازه‌انگاری به یکی از تئوری‌های اصلی روابط بین‌الملل تبدیل شده است. «سازه انگاری بر ساخت اجتماعی واقعیت تأکید می‌کند، که همه کنش‌های انسانی در فضایی اجتماعی شکل می‌گیرد و معنا پیدا می‌کند و این معناسازی است که به واقعیات جهانی شکل می‌دهد (Zehfuss, ۲۰۰۲: ۱۵۷)

تا پیش از تحولات اساسی بین المللی در اواخر سده گذشته، توجه به قدرت، منافع، ساختار و نهاد برای مطالعه سیاست خارجی کشورها رواج بسیاری داشت. اما ناکامی نظریه های سیاست خارجی در پیش بینی و تحلیل آن تحولات، توجه به عوامل " فرهنگی و اجتماعی" را در دستور کار نظریه پردازان سیاست خارجی و روابط بین الملل قرار داد. (کرمی،۱۳۸۳: ۱۶۰)

از اواخر ۱۹۸۰ و اوایل ۱۹۹۰ سازه انگاری به یکي از تئوري هاي اصلي روابط بين الملل تبديل شده است.آنچه زمینه را به طرح و احیای دوباره سازه انگاری فراهم آورد، در واقع مناظره های اصلی نو واقعگرایان و نولیبرال ها از یک سو و نظریه پردازان انتقادی و خردگرایان از سوی دیگر بود تا اوایل دهه ۱۹۹۰ ادامه داشت(حاجی یوسفی،۱۳۹۰: ۳۲۴) .بنابراین می توان اینگونه ادعا کرد که سازه انگاری در عرصه مطالعه و پژوهش روابط بین الملل چیزی جز حاصل نظریه مناظرات سوم نیست که حداقل یک دهه قبل از فروپاشی اتحاد شوروی به روابط بین الملل راه یافت و تفسیر سازه انگاری در روابط بین الملل آنهم به عنوان یک روش را،به شکل جدیدی ممکن ساخت . (ازغندی،۲۲۲:۱۳۸۷) در حوزه روابط بین الملل نیکلاس

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.4.8.5]

اونف نخستین کسی بود که اصطلاح «سازه انگاری» ۱و اجتماعی بودن جهان بر ساخته ما را به کار برد. (صادقی، ۱۳۸۷: ۲۵۰). سازه انگاری با تاکید بر نقش و اهمیت ابعاد غیرمادی حیات اجتماعی، نقش زبان، قواعد، هنجارها، رژیم‌ها، عرفیات و فرهنگ را در تکوین روابط بین الملل مورد توجه قرار می‌دهد. (شفیعی و رضایی،۱۳۹۱: ۶۳). در تئوري سازه انگاري، هويت ها، هنجارها و فرهنگ نقش مهمي‌در سياست خارجي ايفا مي‌كنند. هويت ها و منافع دولت ها توسط هنجارها، تعاملات و فرهنگ ها ايجاد مي‌شود و اين "فرايند" است كه موضوع تعامل دولت ها را تعيين مي‌نمايد(هاديان، ۱۳۸۲: ۹۱۵).

سازه انگاری بر این باور است که همه جریان های عینی موجود در عرصه تعاملات بین المللی، هنجارها و قواعد را معیارهایی برای منافع خردمنـدانه و عقلایی دولت ها تلقی می کنند و بر اساس همان هنجارها و قواعد، منافع دولت و ملت ها صورت عینـی به خود می گیرند. به همین ترتیب هنجار ها و قواعد نیز اساس بازی بین المللی به شمار می روند(امینی، ۱۳۸۳: ۱۶۰).

سازه انگاران معتقدند روابط متقابل دولتی از درجه درخور توجه عوامل ذهنی، شامل عقاید و ایده ها تشکیل شده است و باعث تفسیر ویژه ی حوادث و داده ها می شود. مهم ترین این عقاید و ایده ها به سه دسته تقسیم می شوند: هویت ها شامل خودآگاهی بازیگران سیاسی و تصورات مشترک آنها از دیگران، فرهنگ های استراتژیک که مجموعه ای از عقاید درباره ی ویژگی اساسی سیاست های بین الملل و بهترین روش ها موفق شدن در آن، به ویژه درباره ی کاربرد زور و چشم اندازهای همکاری است و هنجارها که نه تنها درباره اینکه چه چیزی مؤثر است، بلکه درباره اینکه چه چیزی حق است یا در حوزه ی بین الملل مناسب است. (امام جمعه زاده و میرکوشش، ۱۳۹۲: ۷۹)

سازه انگاران براي توضيح چگونگي شكل گيري منافع، بر هويتهاي اجتماعي بازيگران - اعم از افراد و كشورها- تأكيد مي ورزند، از نگاه آنها منافع ناشي از روابط اجتماعي است و نمی توان به شكل ماقبل اجتماعي از منافع سخن گفت(بيليس و اسميت،۱۳۸۳: ۵۵۵). هويت ها تجسم شرايط فردي هستند كه كارگزاران از طريق آنها با يكديگر رابطه برقرار ميكنند، از آنجا كه اين شرايط باعث ميشود كه كنشگران خود را ملزم در وضعيت هاي خاص ببينند، به نحوي منافع آنها را تعريف مي كنند (وهابپور، ۱۳۸۴: ۱۲۹ .)

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.4.8.5]

در این رویکرد دولت ها نهادهای هستند که موجودیت و خصوصیت شان وابسته به باز تولید انواع خاصی از رویه هاست. دولت صرفا واحد حقوقی و یا سازمان رسمی نیست بلکه مجموعه ای از رویه هاست که به شکل هنجاری قوام یافتند. (امیرمحمدی، ۱۳۸۳: ۱۲)

ونت به عنوان مؤثرترین شخصیت این رویکرد، این نظریه را این گونه معرفی می‌کند: «سازه‌انگاری نظریه ساختاری (کلان) نظام بین‌الملل محسوب می‌شود که دولت‌ها، واحدهای اولیه تحلیل‌شان در نظریه‌های سیاسی هستند و سیستم بین‌الملل متشکل از دولت‌ها، دارای ساختاری می‌باشد که ویژگی بین‌الاذهانی آن برجسته است و بخش مهمی از منافع و هویت دولت‌ها به وسیله این ساختار اجتماعی ساخته می‌شود» (Went; ۱۹۹۴: ۳۸۳-۳۸۴)

از نظر آنها اتحاد ها و ائتلاف ها بر خلاف نظر واقع گرایان ، نه صرفا بر اساس تهدید ، بلکه بر اساس ارزش های مشترک شکل می گیرند . این نهادها ، تحلیل بنیادین ارزش ها هستند و در امور بین الملل، نقش اساسی ایفا می کنند . هویت ملی به دولت ها کمک می کند بر اساس برداشتی که از خود دارند ، تهدید های امنیتی ملی را تعریف و به سازوکارهای شکل دادن به متحدین اقدام کنند . دولت ها بر اساس هویتشان، دشمنان، رقبا و دوستان خود را درک می کنند و دراین فرایند ، هویت خود را تعریف و باز تعریف می نمایند. آنها بر اساس انتظاری که از دیگران دارند، رفتارشان را تنظیم می کنند(یزدان فام و دیگران، ۱۳۸۹ : ۱۹۰).

سازه‌انگاران تعریف جدیدی از قدرت و روابط قدرت ارائه می‌دهند. در این تعریف «یک دولت قدرتمند لزوماً نباید صاحب قدرت اقتصادی و نظامی باشد. بلکه دولت قدرتمند باید توانایی ایجاد آن‌چنان فضای هنجاری را داشته باشد که بتواند به راحتی به خلق و ایجاد رفتارهای مورد نظرش بپردازد» (۱۹۹۷:۴۷۲,checkel). به عنوان مثال رویکرد ترکیه جدید اثبات کننده این استدلال سازه انگارانه است که تلاش دارد به رقم محدودیت قدرت نظامی و سیاسی، با خلق هنجارهای سیاسی و مذهبی در خاورمیانه، خود را بازیگر فعال و قدرتمند در خاورمیانه مطرح سازد. بنابر این ، در تئوری سازه‌انگاری، هویت‌ها، هنجارها و فرهنگ نقش مهمی در سیاست‌های جهانی ایفا می‌کنند. هویت‌ها و منافع دولت‌ها توسط هنجارها، تعاملات و فرهنگ‌ها ایجاد می‌شود و این «فرایند» است که موضوع تعامل دولت‌ها را تعیین می‌نماید» (۱۹۹۷:۳۱۷,Adler).

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.4.8.5]

تأکید انقلاب اسلامی بر اهمیت ارزش‌ها و هنجارهای دینی در عرصه سیاست داخلی و خارجی گویای آن است که حداقل بعد از پیروزی انقلاب می‌توان تصمیم‌گیری در دو حوزه داخلی و خارجی را بر اساس نظریه سازه‌انگاری تبیین نمود. (نوری و ملکوتی، ۱۳۹۱: ۳). به همین دلیل می‌توان گفت تبین سیاست خارجی ایران و هویت سیاسی انقلابی آن بر اساس نظریه سازه-انگاری قابل تحلیل و بررسی است چرا که سازه‌انگاران با به‌کارگیری مقولهٔ "هویت" در مطالعات روابط بین‌الملل معتقدند «هویت‌ها به‌طور هم‌زمان به گزینش‌های عقلانی قوام می‌بخشند و این الگوهای هنجاری سیاست بین‌الملل هستند که به آن‌ها شکل می‌دهند. هویّت‌ها را نمی‌توان جدا از بستر اجتماعی آن‌ها تعریف کرد. آن‌ها ذاتاً اموری "رابطه‌ای" اند و باید به‌عنوان مجموعه‌ای از معانی تلقی شوند که یک کنش‌گر با در نظر گرفتن چشم‌انداز دیگران به عنوان یک ابژهٔ اجتماعی، به خود نسبت می‌دهد (مشیرزاده، ۱۳۸۶: ۳۳۲). بر این اساس عناصر هویت ساز در سیاست خارجی ایران را می توان درمواردی چون فرهنگ سیاسی دینی، برداشت دینی از تحولات نظام بین الملل خلاصه کرد.

۳. پیشینه و ادبیات پژوهش

بررسی صورت گرفته از سوابق و پیشینهٔ پژوهش حاکی از آن است که به رغم انجام پژوهش‌های متعدد در خصوص روابط ایران و ترکیه و شناسایی تهدیدها و فرصت های هر یک از این دو دولت، تاکنون هیچ کدام از آنها به تأثیر روابط ایران و ترکیه در ایجاد

و روند همگرایی در منطقه آسیای جنوب غربی و به تبع آن خاورمیانه به مطالعه و تحقیق نپرداخته اند. بنابراین، در این بخش چندین پیشینه در ارتباط با روابط ایران و ترکیه و چالش ها و فرصت های ایران و ترکیه تشریح می شود.

لیندنستراوس (۲۰۱۸) پژوهشی را با عنوان «ترکیه و ایران دو قدرت منطقه» انجام داده است. به گفته وی ایران و ترکیه به عنوان قدرت های منطقه نقش مهمی را در خاورمیانه ایفا می کنند. در حال حاضر، هر دو دولت به برخی ازجنبه های نظم بین المللی توجه داشته و در مورد نفوذ محدود اسلام در نهادهای بین المللی مهم، چالش برانگیز رفتار می کنند و روابط پیچیده ای با قدرت های جهانی دارند. ایران و ترکیه هر دو ایالات متحده را به یک میزان تهدید آمیز

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.4.8.5]

یه شمار می آورند. در سیستم منطقه چند قطبی خاورمیانه، ایران، اسرائیل و عربستان سعودی، مثال بارز مشارکت بی نتیجه هستند که هرگز با یکدیگر همکاری نخواهند داشت.

علاوه بر این، بحران ترکیه و مصر، هر چند به میزان اندک، همچنان ادامه دارد و تا به حال ازحل و فصل آن جلوگیری به عمل آمده است. در نتیجه با توجه به بحران عربستان سعودی با قطر به نظر می رسد که روابط ترکیه و ایران همچنان بیشتر از گذشته شود.

عیوضی و آفتابی مایان(۱۳۹۶) درپژوهشی دیگر با عنوان "چشم انداز روابط سیاسی قدرت های منطقه ای جهان اسلام» به شناسایی فرصت ها و چالش های چهار دولت قدرتمند مسلمان منطقه شامل ایران، عربستان، ترکیه و مصر در منطقه پرداختند. آنها پس از شناسایی فرصت ها و چالش های موجود این کشورها و در جهت دستیابی به راهی برای همگرایی درمنطقه، به این نتیجه دست یافتند که ایران با توجه به فشارها و تحریم های بین المللی که پیش رو دارد، ابتدا باید با ائتلاف با دیگر قدرت های منطقه ای جهان اسلام مثل ترکیه،عربستان و مصر به حفظ امنیت و همچنین اهدافش در منطقه دست یابد. این ائتلاف می تواند به شکل گیری یک سازمان فراملی سیاسی-نظامی برای تامین اهداف حیاتی هر چهار قدرت در حفظ امنیت شان منجر شود.

صدیق بطحایی اصل و همکاران(۱۳۹۱)، تحقیقی با عنوان"نقش و تاثیر حزب عدالت و توسعه در گسترش روابط ایران و ترکیه" انجام داده اند. نتایج این پژوهش نشان می دهد که روابط ایران و ترکیه در سطوح مختلف سیاسی، امنیتی، اقتصادي و فرهنگی پس از روي کار آمدن حزب عدالت و توسعه، تحولی اساسی و متفاوت با روابط گذشته و نگاه تاریخی یافته و بازخوردي از تحول در سیاست خارجی دو دولت است. در نتیجه عرصهٔ اقتصاد، انرژی و تجارت از مهم ترین عوامل همسویی منافع ایران و ترکیه در سه دههٔ اخیر، نشان دهنده مصلحت گرایی سیاسی و منفعت طلبی اقتصادی بوده است.

همچنین به تعدادی دیگر از پژوهش ها در این زمینه با عنوان "قتصاد سیاسی روابط ایران و ترکیه در دوره حکومت حزب عدالت و توسعه» توسط غائبی(۱۳۹۵)،" رویکرد اقتصادی در سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه: مورد ایران(۲۰۱۴-۲۰۰۲)" توسط رسولی و ایمانی(۱۳۹۴)، "سیاست خارجی نوین ترکیه و تهدیدهای امنیتی فراروی جمهوری اسلامی

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.4.8.5]

ایران» توسط مسعودنیا و نجفی (۱۳۹۰)، و "فرصت ها و چالش های روابط ایران و ترکیه در دوره حزب عدالت و توسعه» توسط گودرزی و ابراهیمی(۱۳۹۲) می توان اشاره کرد. نتایج حاصل از این تحقیقات به ویژه نتایج مربوط به روابط اقتصادی ایران و ترکیه در بهبود روابط سیاسی و در نتیجه روند همگرایی در خاورمیانه و همچنین شناسایی چالش ها و فرصت های روابط ایران و ترکیه در این پژوهش مورد بهره برداری قرار گرفت. در واقع، در مطالعاتی که ذکر شد بیشتر به روابط ایران و ترکیه در عرصهٔ اقتصادی با هدف مصاحت اندیشی در عرصه سیاسی و امنیتی و منفعت طلبی در عرصه اقتصادی بوده است.اما درمقاله حاضر پا را فراتر نهاده و با شناسایی فرصت ها و چاش های پیش روی روابط ایران و ترکیه و چگونگی بهره گیری این دو دولت از فرصت ها و تلاش برای تبدیل چالش ها به فرصت،به دنبال ایجاد همگرایی با کمک دو دولت مذکور ابتدا در آسیای جنوب غربی و سپس گسترش آن به خاورمیانه است.

٤.روابط خارجی ایران با ترکیه در دوران اردوغان

ترکیه و ایران به عنوان دو کشور غیر عرب در آسیای غربی ، از کشور های کلیدی این منطقه هستند. این دو کشور از سال ۱۶۳۹ تا کنون هیچ گونه درگیری مرزی یا مسائل مشابه نداشته اند و مرز های دو کشور تا امروز بدون تغییر باقی مانده است.از نظر تاریخی، با وجود تفاوت های ایدئولوژیکی میان حکومت سکولار ترکیه و جمهوری اسلامی ایران، واقعیت های ژئو پلیتیکی و الزامات اقتصادی دو کشور را ملزم به همکاری با یکدیگر در تعدادی از موضوعات نموده است. به علاوه مرز مشترک دو کشور و وجود سازمان های شبه نظامی کردی به این همکاری استحکام بخشیده است. علاوه بر موارد فوق نیاز ترکیه به انرژی به افزایش حجم مبادلات تجاری میان دو کشور انجامیده است.روابط تجاری دو کشور همیشه خوب بوده و این از اصول سیاست خارجی دو کشور در جهت توسعه روابط اقتصادی و تجاری با همسایگان سرچشمه می گیرد.تجارت دو کشور بیشتر شامل گاز طبیعی بوده، اما همکاری های اقتصادی در زمینه های دیگر نیز وجود دارد.حجم تجارت دو کشور تا فوریه ۲۰۱۲ به حدود ۱۵ میلیارد دلار رسید(داود اوغلو،۱۳۹۱ :۴۱۵).

با آغاز تحولات و خیزش ها در آسیای غربی ،روابط دو جانبه میان ایران و ترکیه وارد فاز

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.4.8.5]

جدیدی گردید. این دو کشور تا اواسط سال ۲۰۱۱ همسایگانی دوست بودند و در بسیاری از موارد با یکدیگر توافق داشتند و روابطشان به سطح شرکای استراتژیک رسیده بود. امروزه این روابط در حال تغییر نموده است و دو کشور دیگر از موضع دو کشور دوست و شریک منطقه ای با یکدیگر سخن نمی گویند. با رسیدن موج اعتراضات بهار عربی به سوریه در ژانویه ۲۰۱۱، اختلافات در نظرات دو کشور آغاز شد و آن ها علنا علیه یکدیگر موضع گرفتند. رقابت دو کشور در منطقه با وضعیت جدید سوریه آشکار شد و بر تمام روابط خوب سال های گذشته سایه انداخت.

بی ثباتی ایجاد شده توسط تحولات عربی باعث تضعیف سیاست خارجی ترکیه و همچنین استراتژی داخلی و خارجی این کشور که به طور کامل بر اساس سیاست 'مشکلات صفر' است، گردید. این سیاست به نظر می رسد برای رسیدن به امنیت و ثبات و برای از بین بردن تعارض درترکیه در محیط منطقه ای ترکیه به کار می رود. برای ترکیه اعمال این دیدگاه سیاست خارجی زمانی که منطقه نسبتا با ثبات بود آسان به نظر می رسید .

با تغییر در محیط منطقه ای وبی ثباتی ناشی ازخیزش های عربی، می توان انتظار داشت که این تحولات چالشی برای سیاست خارجی ترکیه در برخواهد داشت. مسئله چگونگی انطباق ترکیه با تعارض میان آرمان گرایی در سیاست خارجی خود و رئالیسم ناشی ازوضعیت فعلی می باشد. از سوی دیگر است، ایران بهتر قادر به مدیریت وضعیت منطقه ای ناشی از هرج و مرج موقت تحولات منطقه می باشد. این مدیریت به دلیل داشتن تجربه، ابزار های در اختیار و متحدان منطقه ای می باشد. این عوامل ایران را برای بقا مشابه شرایط در گذشته قادر نموده است. در حقیقت، ایران با حمایت از چنین اختلال هایی در گذشته ، روی انگیزه نیرو های منطقه ای به مذاکره، و اعطای امتیازات سرمایه گذاری نموده است. در چنین جوی تهران می تواند از خلاءسیاسی که در حال حاضر در بعضی از کشور های عربی وجود دارد، بهره مند شود، حالت سردرگمی ایجاد شده دربرخی از کشورهای عربی ، می تواندبه عنوان نقطه ورود سیاست خارجی ایران باشد. به طور مشابه, ایران ممکن است قادر به بهره برداری از این خیزش ژئوپولیتیک در مناطق دیگر نیز شود. (امام جمعه راده و میرکوشش، ۱۳۹۲).

آنچه مشخص است این است که ایران و ترکیه دو کشور بزرگ و تاثیرگذاربی در تحولات

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.4.8.5]

منطقه و آسیای غربی هستند و اساسا بسیاری از تحولات منطقه تحت تاثیر ایران و ترکیه در ده های اخیر قرار گرفته است.طی ۴۰۰ سال گذشته مناسبات ایران و ترکیه به رغم فراز و نشیب ها مناسبات خوبی بوده و تغییری در مرزهای دو کشور انجام نشده و این نمونه ای از مناسبات خوب بین دو کشور بوده. اکنون هم به رغم اینکه شاهد تعارض منافع و تقابل و رقابت دو کشور در برخی محیط های منطقه ای و پیرامون کشورمان از جمله مسئله سوریه و عراق هستیم ولی در واقع در بسیاری از مسائل منافع اقتصادی و سیاسی ایران و ترکیه پیوند خورده است توجه داشته باشیم که در واقع سود بازیگران فرامنطقه ای در این است که ایران و ترکیه روابط تنش آمیز و تقابلی داشته باشند.

۵.سازه انگاری و تعامل در روابط ایران و ترکیه

۵-۱.همکاری در حل تعارضات منطقه ای دردوران اردوغان

ترکیه به عنوان کشوری که در مرزهای آسیای غربی و اتحادیه اروپا قرار دارد، یکی از کشورهای اصلی آسیای غربی است که به دلیل داشتن ساختاری مردم سالارانه می تواند پایه ای برای تقویت الگوهای همکاری درون منطقه ای باشد. ایران نیز با داشتن توانایی های مادی و معنوی بالا و نظام مردم سالاری که بر ساختار سیاسی آن حاکم است و همچنین نگاه مثبت و مبتنی بر تعاملی که به همسایگان خود دارد، می تواند در همکاری با ترکیه، محوری مهم در افزایش همبستگی های منطقه ای در جهت تقویت مولفه های درون زای الگوهای رفتاری همکاری جویانه کشورهای این منطقه ایجاد کند. تقویت همکاری های ایران و ترکیه می تواند گام مثبتی باشد در جهت تلطیف فضای تعارض آمیز رقابت بازیگران اصلی این منطقه. ایران و ترکیه باید به جای رقابت های ژئوپولیتیکی که اتفاقا سوءظن ها و بدگمانی ها را افزایش می دهد، به سوی همکاری مشترک در همه زمینه ها اقدام کنند. دولت ترکیه می تواند در بخش انرژی جمهوری اسلامی ایران سرمایه گذاری کرده و بهره آزاد نیز ببرد. دو کشور می توانند در جهت شکل دهی یک همگرایی منطقه ای بر محور انرژی کار کنند.

در مرحله اول کشور عراق را که از کشورهای مهم از نظر ذخایر انرژی است می توانند به جمع خود اضافه کنند. سپس کشورهای دیگر صاحب انرژی در منطقه را به این مجموعه

فصلنامه علمی -پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.4.8.5]

بیفزایند. ترکیه حد واسط شرق و غرب و یک مرکز مهم انتقال انرژی به اروپاست. ایران و عراق در درجه اول و کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز در درجه دوم به عنوان مراکز مهم تولید و استخراج انرژی می توانند در یک همکاری وسیع به فعالیت بپردازند. بهانه ای به نام انرژی می تواند ظرفیت های بزرگ تری را عرضه کند که به همکاری های بیشتر تحت عنوان یک همگرایی منجر شده، صلح و ثبات را به منطقه برگردانده و آن را تثبیت کند.

ترکیه اگر می خواهد به وضعیت شکوفا و روشن سال های اولیه حاکمیت حزب عدالت و توسعه برگردد باید در سیاست های منطقه ای خود تغییراتی به عمل آورد. منافع ملی دیگران برای دولتمردان باید مورد توجه قرار گیرد. همین طور که منافع ملی ترکیه برای همسایگان باید مهم باشد. اگر به وضعیت امروز منطقه توجه کنیم در خواهیم یافت داعش در عراق تا نزدیکی مرزهای جمهوری اسلامی ایران نفوذ کرده بود و دولت عراق و اقلیم کردستان از ایران تقاضای کمک کردند. آیا دولت ترکیه انتظار داشت که جمهوری اسلامی ایران منافع ملی و امنیت سرزمینش را نادیده گرفته و اجازه دهد دشمنان خارجی تا مرزهای کشور نفوذ کنند؟ عمق استراتژیکی که داود اوغلو در آسیای غربی و شمال آفریقا در جست وجوی آن است آینده روشنی ندارد و امروز کشورهای مدنظر از شام تا شمال آفریقا به ویژه کشور شاخص منطقه یعنی مصر به این سیاست ها ظنین شده اند. این عمق استراتژیک در کشورهای جنوبی خلیج فارس به ویژه عربستان و قطر نیز یافت نمی شود هرچند که می توان با این کشورها روابط خوب و براساس منافع متقابل برقرار کرد. همراهی استراتژیک با این کشورها دوام نخواهد آورد زیرا ترکیه و عربستان از دو رویکرد متفاوت پیروی می کنند. اندیشه و تفکر مردم ترکیه از ترک گرفته تا علوی و کرد با تفکر کشورهای عرب جنوبی خلیج فارس متفاوت است و حداکثر دولت ترکیه با توجه به رویکرد مردم خود می تواند یک رویکرد اخوانی داشته باشد(روزنامه فرهیختگان، ۱۳۹۴).

در حالی که دولت های جنوبی خلیج فارس به خاطر تمایل مردمان شان به گروه اخوان المسلمین شدیدا با این گروه مخالف بوده و با آن مبارزه می کنند. از گروه های تکفیری نیز در خارج از مرزهای خود استفاده ابزاری می کنند. در واقع هرچند در کویت، عربستان و امارات بنیادگراهای تکفیری همچون داعش و القاعده فعال شده اند ولی دولتمردان این کشورها به

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.4.8.5]

خوبی می دانند که تمایل مردم بیشتر به سمت اخوان المسلمین است. عمق استراتژیک مورد نظر ترکیه اگر در گذشته برایش زمینه ای در آسیای غربی و شمال آفریقا فراهم شده بود ولی با شکست بهار عربی و به هم ریختگی گسترده در منطقه شانس موفقیت نخواهد داشت. اتفاقا عمق استراتژیک باید جای خود را به همکاری استراتژیک با بعضی کشورهای منطقه و با اولویت همسایگانی همچون ایران، عراق و بعضی کشورهای حوزه قفقاز بدهد.

با توجه به تمامي اقدامات و رفتارهاي دولتمردان ترکیه، مي توان گفت موضع دولت این کشور درباره تحولات اخیر جهان عرب حاکي از نوعي سیاست بینابیني بوده است. ترکیه در پي اجراي برنامه هاي جدید خود در منطقه است که هدف از آن توسعه نفوذ و ایفاي نقش رهبري در کشورهاي اسلامي خاورمیانه و شمال افریقا است. به همین دلیل این کشور سعي دارد از موضعي خیرخواهانه و بدون تندروي هاي یکجانبه تصمیم گیري کند (قنبرلو، ۱۳۹۰ :۲۱۲).

۵-۲. مسائل مربوط به عراق در دوران اردوغان

ایران و ترکیه می توانند در صحنه عراق، یک بازی با حاصل جمع مضاعف و یا غیر صفر داشته باشند که مؤلفه های همسوی دو کشور در عراق آنها را در این زمینه یاری می کند. از جمله مواردی که دو کشور در حوزه عراق، همسو هستند بحران کردها و تلاش آنها برای تشکیل حکومت است و نیز احتمال تجزیه طلبی در عراق و تلاش های دو کشور ایران و ترکیه برای ایجاد ثبات در این کشور، از دیگر مواردی است که می تواند فرصت را برای گسترش زمینه های مشترک ایران و ترکیه فراهم نماید.

هنگامي که شیعیان در بغداد مهم‌ترین فاکتور قدرت باشند، واگرایي و استقلال منطقه کردستان عراق نه به هدف پیوستن به ترکیه، بلکه به هدف احیاي نفوذ سنتي ـ تاریخي آنکارا، موضوعي است که مي‌تواند مطمح‌نظر حزب عدالت و توسعه قرار بگیرد. از این منظر به‌نظر مي‌رسد ترکیه جدي‌ترین حامي ایده دو منطقه نفتي و استراتژیك، با دو دولت سني به مرکزیت «موصل» و «اربیل» باشد، اما اگر به‌واسطهٔ تحولاتي در آینده، شمال عراق تجزیه شود، مبارزه ترکیه با پ‌ك‌ك و توانایي آن براي مدیریت تقسیم منابع طبیعي با عراق به‌طور قابل توجهي کاهش خواهد یافت. پ‌ك‌ك در موقعیت دسترسي به مواضع جدید، منابع تجهیزات و مسیرهاي حمل‌ونقل قرار مي‌گیرد و کار ترکیه را براي نابود کردن این سازمان دشوارتر مي‌کند. ازطرفي کردهاي ترکیه نیز

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.4.8.5]

زمینه و انگیزه جدیدي براي تجزیه و یا پیوستن به کردستان عراق پیدا خواهند کرد.

بنابراین همانگونه که ملاحظه می شود دو کشور ایران و ترکیه (اگرچه ترکیه صراحت کمتری دارد) تجزیه عراق را طرح قدرت های غربی برای باز کردن جای پای خود در منطقه قلمداد کرده و با آن مخالفند. ایران در عین حفظ منافع استراتژیکی اش در شمال عراق به کردها خاطرنشان می سازد که از چه چیز می توانند دفاع کنند و در این راه از اهرم های زیادی استفاده کرده است. از یک طرف روابط اقتصادی خود را با کردها گسترش می‌دهد و از سوی دیگر عملیات اطلاعاتی خود را به اجرا درآورده و به شکلی از شورشیان اسلام گرا همچون انصارالاسلام حمایت می کند. باری ایران ، همسو با کشورهای همسایه ، مواضع غیر دوستانه ای را با کردهای عراق اتخاذ نموده به طوری که می توان به اظهارات سفیر ایران در ترکیه در آوریل ۲۰۰۶ در خصوص هشدار نسبت به تشکیل کردستان بزرگ اشاره نمود. تجارت مرزی از زمان سقوط رژیم بعث رونق گرفته است و سرمایه گذاری های ایرانیان در شمال عراق در حال گسترش است به ویژه در منطقه سلیمانیه، گفته می‌شود قراردادها در ساخت و ارتباطات با شرکت های خصوصی ایران منعقد می شود به طوری که منطقه آزاد کیش با کردستان عراق جهت مبادلات دو جانبه یک تفاهمنامه همکاری امضاء کرده است. کردهای عراق همچنین به واردات گاز ایران وابسته اند.

البته یک نکته را نباید فراموش کرد و آن این است که تشکیل چنین دولتی می تواند باعث شکاف هر چه بیشتر بین سنی و شیعه در سه کشور ایران، ترکیه و عراق شود. در بعد انرژی نیز تشکیل دولت کرد در شمال عراق و تسلط ایشان بر منافع نفتی می تواند باعث کاهش توان کشورهای نفت خیز منطقه در استفاده از نفت به عنوان یک ابزار استراتژیک شود. در نهایت احتمالا دولت کرد شمال عراق به علت فقدان دلبستگی های قومی یا عقیدتی و عدم ارتباط منظم با نهضت فلسطین ، مخالفت چندان گسترده ای با اسراییل نخواهد داشت و حتی احتمال اینکه همکاری های با این رژیم داشته باشد غیر قابل تصور نیست . این امر در کنار تضعیف عراق به عنوان یک کشور مخالف جدی با اسراییل کشور های منطقه برای مخالفت با تشکیل دولت کردی می باشد. حساسیت جمهوری اسلامی ایران به حضور و نفوذ محتمل اسرائیل در کردستان عراق و جدی انگاشتن پیامدهای چنین وضعیتی با توجه به تخاصم ایدئولوژیک دو کشور ، امری بدیهی و آشکار است. (کریمیان، ۱۳۸۳)

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.4.8.5]

موقعیت کردستان عراق به عنوان یک منطقه مهم از آسیای غربی و با حاکمیت دو فاکتو یا دوژوور ، نه تنها تهدیدی برای اسراییل نمی باشد بلکه فضای تنفس استراتژیک آن را در منطقه بالا می برد. (عبدالله پور، ۱۳۸۹: ۳۵) از سوئی اسراییل از طریق کنترل دولت کردی برای اعمال فشار بر ایران و ترکیه قدرت چانه زنی خود را بالا خواهد برد زیرا اسراییل خواهد توانست مساله جدائی خواهی قومی را تبدیل به یکی از اصلی ترین نگرانی های امنیتی ایران وترکیه بنماید. (شیخ عطار، ۱۳۸۲: ۳۴۶).

یکی از اهداف امنیتی اسرائیل در کردستان عراق و تشکیل دولت مستقل کرد ، ایجاد اهرم بازدارنده در مقابل ایران است ، زیرا به زعم اسرائیلی ها ، ایران همواره از حزب اله لبنان به عنوان اهرم فشار علیه اسرائیل استفاده کرده است . اسرائیل در صدد است با تشکیل گرو ههای شبه نظامی از میان اکراد ، اهرم فشاری همانند حزب اله در منطقه بر علیه ایران ایجاد کند. (خسروی، ۱۳۸۳: ۶۰).

ترکیه به عنوان سردمدار مخالفان ایده دولت کرد معتقد است که تشکیل چنین دولتی ، مقدمه ای برای تجزیه مناطق وسیع و پر جمعیت کرد نشین خود می داند و این امر برای ترکها خط قرمز امنیتی است . در نگاه اکثر دولتمردان ترک نیز، حضور و نفوذ اسرائیل در کردستان عراق به عنوان عامل تقویت جنبش کردی در منطقه و تهدید برای امنیت ملی این کشور عنوان می شود. بنابراین هم ایران و هم ترکیه حضور و همکاری اسرائیل را با کردستان عراق، تهدیدی علیه منافع ملی خود می دانند که با ایجاد گروه های شبه نظامی درمیان کردها سعی بر کنترل ترکیه و ایران دارد. مخالفت با حضور نیروهای خارجی در عراق، یکی دیگر از حوزه های مشترک در رویکرد ایران و ترکیه نسبت به عراق محسوب می شود.

حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای در آسیای غربی به دلیل عواملی چون نفت و موقعیت ژئوپولیتیک منطقه همواره از عناصر ساختار امنیتی منطقه‌ای محسوب می‌شده است، اما در سال‌های اخیر و به ویژه بعد از یازده سپتامبر و حمله امریکا به افغانستان و عراق، مداخلات فرامنطقه‌ای افزایش قابل ملاحظه‌ای را نشان می‌دهد. البته مبارزه با تروریسم از ابتدا به عنوان یکی از اهداف اصلی آمریکا در گسترش حضور خود در منطقه و تقویت الگوی امنیت هژمونیک عنوان شد. اما حضور گسترده‌تر آمریکا در منطقه و اشغال افغانستان و عرا ق زمینه را

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.4.8.5]

برای گسترش افراط‌گرایی و تروریسم مهیا ساخت. اکنون اگرچه حضور امریکا در عراق کمرنگ تر شده اما مسئله تروریسم نه تنها در این کشور که در کل منطقه همچنان به عنوان بحرانی جدی پا بر جاست (واعظی، ۱۳۸۶).اگرچه این گروه های تروریستی در داخل ایران فعالیت ندارند اما حضور آنها در محیط پیرامونی ایران، قدرت و گستره نفوذ ایران را رو به تحلیل خواهد برد و از سوی دیگر با کاهش قدرت متحدان ایران، قدرت مانور منطقه ای ایران نیز کاهش می یابد.

در رابطه با ترکیه نیز می توان گفت حضور آمریکا و تحولات عراق باعث رشد بنیاد گرایی و ترقی گروههای تروریستی ترکیه شده است . مسئله کردها ومطرح شدن موضوع فدرالیسم ، فعالیت گروه تجزیه طلب پ. ک. ک، حضور اسرائیل در شمال عراق و ناامنی داخلی عراق از مهمترین دغدغه های ترکیه در عراق جدید است. منافع آمریکا در عراق همپوشانی چندانی با منافع ترکیه ندارد ، ضمن آنکه حمایت ضمنی آنها از کردها نگرانی ترکیه را دوچندان کرده است . حضور امریکا مهم ترین عامل بازدارنده اقدامات یک جانبه ترکیه در شمال عراق است . در حالی که امریکا بر مبارزه با تروریسم در هر شکل آن تاکید می کند، اما از سوی دیگر به فعالیت پ. ک. ک در شمال عراق بی تفاوت بوده و حتی غیر مستقیم سلاح های انها را تامین می کند.

بدلیل مخالفت منطقه ای با تشکیل دولت کردی ، چنین دولتی در پی خروج از انزوا وهم پیمانی با قدرت های بیرونی است. اسرائیل نیز که به دنبال تشکیل یک دولت غیر عرب کردی است ، بر طبق تز «ائتلاف پیرامونی» «بن گورین» با یک دولت غیر عرب پیرامونی ائتلاف می کند. تشکیل چنین دولتی در منطقه بر تهدیدات علیه ترکیه دامن می زند. در چنین شرایطی ترکیه می کوشد از ابزار فشار خود به عراق بیشتر بهره ببرد. ادعای ارضی ترکیه به موصل ونیز وجود اقلیت ترکمن در شمال عراق ، به همراه نیاز جغرافیایی منطقه به راه های مواصلاتی ترکیه، از جمله این ابزارها می باشد (اسدی، ۱۳۸۷).

با توجه فضای نامناسب امنیتی عراق و پیامدهای ناگوار منطقه‌ای آن از یک سو و تجارب تاریخی و تهدیدات امنیتی ناشی از این کشور طی دهه‌های گذشته از سوی دیگر، جمهوری اسلامی ایران و ترکیه ایجاد ثبات و امنیت در عراق را محور اصلی راهبرد خود در قبال عراق قرار دادند. همچنین منطق کلی روابط ایران و ترکیه با عراق نمی‌تواند اولویت مهم‌تری را در این خصوص در پیش روی تصمیم‌گیرندگان قرار دهد (واعظی، ۱۳۸۶: ۴۳).

فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.4.8.5]

۵-۳.فرصت های امنیتی در دوران اردوغان

زمینه های مشترکی که دو کشور ایران و ترکیه در مورد مسائل منطقه به ویژه عراق و سوریه دارند، این فرصت را در اختیار دو کشور قرار می دهد تا همکاری هایشان را در حوزه امنیتی گسترش دهند و آنچه زمینه را برای این امر بیش از پیش فراهم می کند نگرانی مشترک دو کشور از سرریز بحران ها در منطقه به این کشورها است.

خدشه دار شدن روابط دو کشور ایران وترکیه برای دو طرف نتایج زیان باری داشت، از جمله نتایج منفی برای طرف ایرانی عبارت اند از، اتحاد بیشتر ترکیه به عنوان عضو ناتو با غرب و اسرائیل علیه ایران، مثلث اسرائیل، ترکیه، جمهوری آذربایجان علیه ایران، ائتلاف ترکیه و اتحادیه عرب علیه ایران و پیوستن ترکیه به محور سنی در منطقه، از دست دادن یک شریک تجاری توسط ایران به ویژه در شرایط تحریم اقتصادی، از دست دادن یک همسایه دوست توسط ایران که عنصری بسیار مهم در مذاکرات هسته ای ایران با غرب به عنوان میانجی محسوب می شود.

در طرف مقابل نیز تخریب روابط دو کشور نتایج منفی ای برای ترکیه به دنبال داشت. نباید فراموش کرد که جمهوری اسلامی ایران اکنون به عنوان یک بازیگر مهم در آسیای غربی محسوب می شود و همکاری نکردن این کشور با ترکیه موجب می شود ترکیه نتواند مشکلاتش را در ارتباط با کردها حل و فصل کند. همچنین ایران یک شریک تجاری خوب برای ترکیه محسوب می شود که در صورت تخریب روابط فرصت همکاری از میان می رود.

۵-۴.همکاری های اقتصادی

با توجه به اینکه ایران یکی از قدرت های برتر در منطقه محسوب می شود، ترکیه روابط با ایران را جدی گرفته است که یکی از مهم ترین ابعاد این روابط، مناسبات تجاری و اقتصادی است. در این راستا سازمان همکاری اقتصادی اکو از اهمیت خاصی در روابط بین دو کشور و تأمین ثبات و امنیت در منطقه و جهان برخوردار است.

ترکیه به لحاظ موقعیت ژئوپلیتیک و درک اهمیت این موقعیت و نقش منطقه ای خود، بر لزوم حفظ رابطه نزدیک با همسایگان خود به خصوص با جمهوری اسلامی ایران وقوف دارد و سازمان همکاری اقتصادی را قالب مناسبی برای اجرای این سیاست می داند. ترکیه برای ایفای

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.4.8.5]

نقش منطقه ای خود، کانال همکاری های اقتصادی را بهترین خط مشی می داند. مقامات ترکیه در تلاشند با محور قلمداد کردن نقش خود در سازمان اکو، ترکیه را به عنوان حلقه واسطه بین سازمان همکاری اقتصادی اکو، جامعه اروپا و سایر پیمان های منطقه جا بیندازد.

اگر روابط اقتصادی ایران و ترکیه روند رو به رشدی را شاهد باشد، فرصت دیگری را نیز به صورت غیرمستقیم در اختیار ایران قرار می دهد و آن امکان عمق بخشی به روابط خود با کشورهای منطقه قفقاز است. قفقاز یکی از مهمترین حوزه های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران است. معنی نفوذ سیاسی در حوزه قفقاز، نفوذ بسیار مطمئن در حوزه های دریای سیاه در شمال قفقاز و دریای خزر است. زیرا یک پیشرفتگی ژئوپولتیک بسیار مهم در دل حوزه های بسیار با اهمیت سیاست خارجی ایران است که به صورت تاریخی اهمیت خاصی این منطقه در آینده روابط ایران با اروپا، آینده همکاری های نفتی و انرژی در دریای خرز و در قفقاز دارد. به همین دلیل حوزه پر اهمیتی است. یکی از کشورهایی که در حوزه قفقاز برای ایران اهمیت دارد و نیز مورد توجه ترکیه هم هست، کشور آذربایجان می باشد. (دولت آبادی، ۱۳۹۳)

هر دو کشور ایران و ترکیه منافعی را در آذربایجان دنبال می کنند و هر یک نیز از مزایایی برای گسترش روابط خود با این کشور برخوردارند که البته در این بین، ترکیه به موفقیت بیشتری دست یافته است. حال اگر همکاری های ایران و ترکیه افزایش یابد، ترکیه از سنگ اندازی های خود بر سر راه روابط ایران و آذربایجان خواهد کاست و بدین ترتیب، بهبود و گسترش همکاری های ایران با ترکیه، به فرصتی برای ایران تبدیل می شود که می تواند روابطش را با آذربایجان تعمیق بخشد.

٦. سازه انگاری وچالش های روابط خارجی ایران با ترکیه در دوران اردوغان

۶-۱. تداخل منافع و عدم مدیریت آن در بحران سوریه

نگاه ایران به بحران سوریه به علت دوری از کشور سوریه و نداشتن مرز مشترک با آن، نگاه راهبردی و بلندمدت است. اما نگاه ترکیه به بحران سوریه، یک نگاه کاملاً تاکتیکی است. ترکیه دارای حدود ۹۰۰ کیلومتر مرز مشترک با سوریه است. قرابت جغرافیایی و قرار داشتن

فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.4.8.5]

ترکیه در کانون بحران سوریه به علت هجوم ۳۶۰۰۰ آواره سوری به این کشور و تهدید شدن خطوط مرزی این کشور با سوریه به علت حجم آتش رد و بدل شده میان مخالفان و ارتش سوریه، باعث نگاه خصمانه ترکیه به سوریه شده است. بحران سوریه از طرف دیگر، تلاش چندین ساله ترکیه برای پیوستن به اتحادیه اروپار ا به باد می دهد. چراکه بحران در مرزهای ترکیه، به منزله بحران در مرزهای اتحادیه اروپا قلمداد می شود؛ بنابراین اتحادیه اروپا که قبلاً با اغماض و خوش بینی نسبت به مسئله امنیت در ترکیه برخورد می کرد، حالا ورود ترکیه را منوط به برقراری آرامش در مرزهای خود خواهد کرد. ایران فاقد این گونه مشکلات است؛ بنابراین با آسودگی خاطر بیشتری نسبت به ترکیه، به بحران سوریه می نگرد. همین تفاوت در میزان تأثیرپذیری دو کشور از بحران سوریه، موجب تقابل میان آن ها گردیده است . اوج چالشها و حتی برخوردهای ایران و ترکیه را میتوان در منافع دو کشور در سوریه مشاهده کرد. سوریه به عنوان متحد استراتژیک ایران، نقش مهمی را در دشمنیهای ایران و اسرائیل، حمایت از حزباهلل و گروههای فلسطینی و همچنین نزاعهای عقیدتی در منطقه برعهده دارد. حال آنکه ترکیه نسبت به این کشور دارای اداعاهای تاریخی، سرزمینی و اقتصادی دارد. نکته دیگر اینکه به دلیل آنکه سوریه پس از پیروزی انقالب اسلامی، نزدیکترین متحد عربی با جمهوری اسالمی ایران بوده است، ظهور بحران در این کشور تأثیر مستقیم بر روابط همپیمانان یران در منطقه خاورمیانه داشته است(سیمبر، ۱۳۹۳ :۵۱).

بحران سوریه، روابط ایران و ترکیه را وارد مرحله‌ی تازه‌ای کرده است. در حقیقت تعارضات بنیادین موجود میان ماهیت سیاست خارجی دو کشور تحت تاثیر کاتالیزوری به نام بیداری اسلامی هویدا شده است. این در حالی است که رادارهای مستقر در ترکیه به عنوان بخشی از طرح سپر دفاع موشکی ناتو مدتی است، آغاز به کار کرده است. در همین حال جمهوری اسلامی ایران در قبال این مسئله موضع‌گیری کرده است. اخیرا نیز تنش‌های پیش آمده در سوریه و دیدگاه های متعارض ایران و ترکیه در قبال اتفاقات سوریه تنش در روابط دو کشور را دو چندان نموده است.

در این چارچوب، تحولات جهان عرب به ویژه بحران سوریه هم فرصت و هم چالش در روابط ایران و ترکیه ایجاد کرده است. فرصت از این رو، که ایجاد دولت‌های ملی-اسلامی با

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.4.8.5]

نگاه‌های مستقل موجب می شود، که ایران و ترکیه از ژئوپلیتیک تنهای خود به عنوان دو کشور غیر عرب خارج شوند و دوستان و ائتلاف‌های سیاسی جدید پیدا کنند. اما چالش در روابط ایران و ترکیه به ایفای نقش‌های منطقه‌ای آنها در مدیریت تحولات عربی مربوط است. به خصوص بحران سوریه که دو کشور دو نگاه متفاوت به این مسئله دارند. ترکیه در تقویت راه حل غربی خواهان تغییر رژیم در سوریه است، چرا که ترکیه در بحران سوریه مردم را محق می‌داند و حکومت سوریه را به کشتار مردم خود متهم می کند و اینکه در اثر عملیات نظامی حکومت سوریه تاکنون تعداد زیادی از مردم، فقط به ترکیه آواره شده‌اند. از سوی دیگر جمهوری اسلامی ایران تفسیر متفاوتی از تحولات دارد و معتقد است از آنجا که حکومت سوریه درجبهه مقاومت است با توطئه‌هایی که از سوی خارجی مدیریت می‌شود، مواجه است. از این رو، ایران خواهان انجام تغییرات در سوریه است، به نحوی که توازن قوای منطقه‌ای حفظ شود. مسئله اصلی ایران تعادل بین جریان مقاومت و حزب الله و انجام تغییرات در سوریه است. این دو دیدگاه بسیار با یکدیگر فاصله دارد. گفتگوهای اخیر که در ماههای اخیر بین ایران و ترکیه صورت گرفته است، فاصله‌ها را کم نکرده است و دو طرف موفق نشده‌اند که مواضعشان را به یکدیگر نزدیک کنند (محمدی، ۱۳۹۱: ۳).

۶-۲. به هم خوردن موازنه قوا در منطقه

در شرایط خلاء قدرت ناشی از انقلاب های عربی، دو کشوور ایران و ترکیه در تلاش رسیدن به یک توازن قوای جدید هستند. تقابل اصلی ایران با ترکیه در بحران سوریه، بر حفظ منافع ژئوپلیتیک ایران استوار است. سیاست منطقه ای ایران متمرکز بر تقویت اتحادها و ائتلاف ها با گروه ها و دولت های دوست در منطقه است. خروج ترکیه از موضع سنتی حزب عدالت و توسعه، یعنی تمرکز بر نقش میانجی گرانه یا به صفر رساندن مشکلات با همسایگان و اتخاذ موضع جانبدارانه در بحران سوریه، درست در مقابل سیاست منطقه ای ایران یعنی حفظ توازن قوای فعلی است.

از یک نگاه واقع گرایانه، آینده آرایش سیاسی حکومت سوریه، همانند اهمیت آن برای بازیگران رقیب، برای ایران از لحاظ حفظ و تقویت نقش منطقه ای، موازنه قدرت و تقویت جریان مقاومت و هلال شیعی، شامل ایران، عراق، سوریه و لبنان بسیار مهم است. سقوط نظام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.4.8.5]

حاکم سوریه به هر طریقی، علاوه بر از دست دادن متحد راهبردی و پاره شده هلال شیعی، توازن قوای فعلی ایران را به هم خواهد زد و معادلات به نفع ترکیع رقم می خورد؛ بنابراین ایران در کنار تقویت جایگاه و حکومت سوریه به منظور جلوگیری از این اتفاق ناخوشایند، برای برقراری روابط صمیمانه با کشورهای انقلاب کرده، درصدد دست یابی به نفوذ معنوی با هدف کسب اقتدار در منطقه است .

۶-۳.همکاری ترکیه با ناتو؛ تهدید امنیت ملی ایران

ترکیه که در جریان مذاکرات هسته ای ایران نقش واسطه را بر عهده گرفته بود و حتی محل برگزاری تعدادی از نشست های مذاکرات بود سعی بر این داشت تا از این امر به عنوان امتیازی برای افزایش وجهه خود استفاده نماید به ویژه اینکه سیاست خارجی متوازنی را در دوره حزب عدالت و توسعه در پیش گرفته تا تنش خود را با همسایگانش کاهش دهد اما این طرح عملاً امنیت ملی ایران را تهدید می کند.

این طرح را نباید با طرح استقرار این سامانه در خاک جهموری چک و لهستان یکسان دانست. نخست آن که استقرار این طرح در شرق اروپا در آن مقطع و با توجه به مناسبات سرد مسکو-واشنگتن، با مخالفت شدید روس‌ها مواجهه شد و علی‌رغم این که امریکایی‌ها بارها اعلام نمودند که هدف این طرح مقابله با سیستم موشکی ایران است، ولی به دلیل مخالفت سرسختانه روسیه - که در راستای منافع استراتژیک و ژئوپلیتیک روسیه و نه ایران، صورت می‌گرفت- این طرح هرگز به مرحله اجرا در نیامد. حال آن که در شرایط کنونی، روسیه نه تنها مخالفتی با استقرار این طرح در خاک ترکیه از خود نشان نمی‌دهد بلکه این احتمال می‌رود که در سایه تحولات کنونی به‌ویژه تصمیمات اجلاس لیسبون، خود نیز در این طرح مشارکت نماید که در این صورت شرایط دشوارتری متوجه ایران خواهد شد. نکته دوم بعد جغرافیایی اجرای این طرح است. مجاورت جغرافیایی ترکیه با ایران، در مقایسه با فاصله نسبتاً زیاد جهموری چک و لهستان از خاک ایران، به‌ویژه در زمینه کنترل راداری و اطلاعاتی، وضعیت بازدارندگی و توازن قوا در حوزه قابلیت‌های متعارف را به نحو قابل توجهی به نفع ترکیه تغییر خواهد داد که این امر، تدوین سیاستگذاری دقیق و ارائه راهکارهای مناسب را ضرورت می‌بخشد. (کوزه گر کالجی، ۱۳۹۰)

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.4.8.5]

۶-۴. تلاش ترکیه برای افزایش نفوذ در عراق و تهدید امنیت ایران

دیدگاه حکومت کنونی ترکیه در عراق و سوریه مشابه همان نگاهی است که داماد فرید پاشا تقریباً یک قرن پیش داشت وقتی در پاریس به دنبال حفظ حاکمیت تُرک‌ها بر منطقه بود. ازنقطه‌نظر آنکارا، گسترش منطقه نفوذ ترکیه به سرزمین‌های اسلامی همسایه منوط به تضعیف دولت‌های عراق و سوریه است. حتی درصورتی‌که ترکیه کنترل مستقیم بر این سرزمین‌ها را نداشته باشد امیدوار است حداقل به‌طور غیرمستقیم اراده خود را از طریق شرکای منتخبش دوباره حاکم سازد؛ خواه از طریق گروهی از نیروهای اسلام‌گرای میانه‌رو در سوریه یا در شمال عراق، ترکیبی از گروه‌های سنی و تُرکمن همراه با یک گروه کُرد همچون حزب دموکرات کردستان مسعود بارزانی رئیس حکومت اقلیم کردستان. در شرایط کنونی شاید ایالات متحده بر گروه دولت اسلامی عراق و شام (داعش) متمرکز باشد، اما ترکیه به آینده می‌نگرد که احتمالاً این شرایط آشفته تداوم خواهد داشت. به همین دلیل است که ترکیه برای حضور در نبرد با گروه دولت اسلامی شرایطی را مطرح کرده است: این کشور در تلاش است تا ایالات متحده و شرکای عرب سنی ائتلاف را متقاعد سازد که تنها ترکیه توان اداره منطقه را دارا است؛ بنابراین به‌زعم مقامات آنکارا، همه بازیگران باید با اولویت‌های ترکیه منطبق باشند و اولین گام در این راستا جایگزینی رژیم علوی مورد حمایت ایران در سوریه با دولت سنی متمایل به آنکارا است. (بهالا، ۱۳۹۳: ۱۸۳).

ترکیه سعی دارد بحران سوریه را به عراق نیز تسری دهد. آنکارا با ایجاد هم پیمانی بین «داعش» و گروه‌های معارض سابق (در عراق) در تلاش برای از بین بردن حکومت شیعی این کشور است. تقسیم عراق، از دید آنکارا، به تاسیس یک دولت سنی همسایه منجر می‌شود که تا حد زیادی می‌تواند روی کمک‌های مالی آن حساب باز کند. به این ترتیب ترکیه نفوذی در عراق پیدا می‌کند که قبلا فاقد آن بوده است. تاسیس چنین فدرال سنی به اعتبار اینکه بر دو استان «الانبار» و «نینوا» حکومت خواهد کرد، از نظر جغرافیایی مرزهای ترکیه و عربستان سعودی را به هم متصل و همچنین «هلال شیعی» را قطع خواهد کرد، طوری‌که ارتباط بین تهران- بغداد از یک‌سو و دمشق و مقاومت در لبنان از سوی دیگر قطع خواهد شد و بروز چنین شرایطی ضربه قوی ترکیه و کشورهای عرب (خلیج‌فارس) به نفوذ ایران (در منطقه) محسوب می‌شود.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.4.8.5]

تضعیف بیش از پیش دولت شیعی در عراق و حکومت بشار اسد تثبیت موقعیت داعش و تشکیل دولت مستقل توسط آن، پیامد امنیتی دیگر تجزیه عراق برای ایران خواهد بود. تحولات تاریخی تهران، دمشق و بغداد را طی سال های اخیر کنار هم قرار داده است. این اتحاد مانع از پیشبرد تحولات ژئوپلیتیک به نفع آمریکا و اسراییل در آسیای غربی شده است.

۶-۵. حمایت ترکیه از داعش

از ابتدای بحران سوریه ترکیه سیاست غیردوستانه و حتی خصمانه ضد دولت دمشق به نمایش گذاشته و نقش ترانزیت کننده تروریست های گروه داعش و سایر گروه های تروریستی از اقصی نقاط جهان به سوریه را به عهده گرفت و امروز یکی از علل پیچیدگی تحولات منطقه و اوج گیری قدرت تروریست ها ناشی از همین سیاست ها است و علی القاعده این سیاست ها تاثیرات بسیار منفی بر ترکیبات امنیتی منطقه و مناسبات کشورهای منطقه از جمله ایران و ترکیه گذاشته است (کاظم زاده، ۱۳۹۳: ۵).

ترکیه به بهانه تحولات کوبانی و کشتار کردها تلاش دارد به بهانه ایجاد منطقه حائل و در پوشش بازگشت آوارگان سوری به این مناطق ترکیب جمعیتی این مناطق را به نفع خودش تغییر بدهد و این نقشه در واقع توطئه خطرناکی است که صدمات امنیتی فراوانی برای ترکیبات امنیتی منطقه دارد. همانطور که خیلی از کارشناسان مطرح می کنند ترکیه با این رویکرد وارد قمار بزرگی شده است. چرا که این رویکرد برخلاف ادعای مسئولان ترکیه مبنی بر اینکه به دنبال تنش با همسایگان نیستند این تنش ها را به شدت افزایش داده است. چنانچه روزگاری شاهد این بودیم که مهمترین چالش امنیتی ترکیه با همسایگان این کشور مسئله یونان و دریای اژه بود ولی اکنون می بینیم که آنقدر تنش در مناسبات ترکیه با همسایگان آن ایجاد شده که مسئله یونان و دریای اژه به نوعی در حاشیه قرار گرفته است (کاظم زاده، ۱۳۹۳: ۵).

تحولات سیاسی همچنان بر کم و کیف مناسبات تجاری دو کشور تاثیر خواهند گذاشت و متغیرهای امنیتی و سیاسی موجود منطقه به طور عمده حول و حوش مسائل سوریه و عراق هستند ولی در این خصوص نیز ترکیه با توجه به برآیند تحولات ناچار است که در سیاست های خود در قبال سوریه تجدید نظر کند. کما اینکه کشورهای غربی که دنبال براندازی حکومت سوریه بودند بعد از مقاومتی که در منطقه انجام شده تغییراتی در سیاست های خود انجام دادند

فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.4.8.5]

و همین تغییر سیاست های آنکارا در قبال مسائل سوریه در داخل ترکیه نیز مقبولیت عام نداشته و تبعات فراوانی که بر اقتصاد و گردشگری ترکیه و از همه مهمتر بر برهم خوردن روند آشتی با کردها دارد دولت ترکیه را در آستانه چاالش جدی قرار داده است.

چرا که اعتراض ها به این روند سیاست دولت ترکیه تنها مربوط به کردها نیست و اقشار مختلف مردم ترکیه از جمله علوی ها معترض این سیاست هستند و به نظر می رسد ترکیه با ادامه این روند ناگزیر شود به معیارهای دموکراسی برای حل مسائل منطقه توجه کند و علی القاعده اگر این متغیر به این شکل جلو برود در مناسبات ایران و ترکیه نیز تاثیر مثبتی خواهد داشت (کاظم زاده، ۱۳۹۳).

بنابراین بحران سوریه و نحوه موضع گیری دولت ترکیه، جمهوری اسلامی ایران را به عنوان کشوری که از یک سو متحد سوریه محسوب می شود و از سوی دیگر طی دهه اخیر روابط اقتصادی و سیاسی خود را با دولت ترکیه گسترش داده، با شرایط حساسی مواجه کرد. تضاد و تفاوت نگرش ایران و ترکیه نسبت به موضوع سوریه، مسئله ای است که فی نفسه می باید روابط تهران و آنکارا را تیره می نمود، اما اتخاذ سیاست های مطلوب از سوی ایران و همچنین عدم تمایل ترکیه به تیرگی روابط با تهران، باعث شده که روابط دو طرف همچنان در سطح مطلوبی باقی بماند.

آنچه مشخص است مناسبات مطلوب میان ایران و ترکیه به عنوان دو بازوی قدرت منطقه مورد توجه بازیگران فرامنطقه ای که به دنبال واگرایی در منطقه هستند و هر سیستم ترکیبات امنیتی منطقه گرا را در سیستم خود دارند نیست و گسترش مناسبات ایران و ترکیه چه به صورت روابط دوجانبه و چه در قالب گروه هایی مانند جی هشت یا گروه اکو و یا سازمان کنفرانس اسلامی و همه مدل های منطقه گرا مطمئنا مورد حمایت آن دسته از کشورها و بازیگرانی که معتقدند مسائل منطقه باید توسط کشورهای منطقه حل شود هست و کشورهای ایران، لبنان، سوریه، عراق و کشورهایی که راهکار حل مسائل منطقه را در همکاری منطقه ای می دانند از هرگونه همگرایی ایران و ترکیه استقبال کرده و معتقدند همکاری این دو کشور می تواند تروریسم در منطقه را ریشه کن کند.

با توجه به واقعیت هایی که در بحران سوریه موجود است، ایران و ترکیه در حال رسیدن به

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.4.8.5]

نوعی واقع گرایی در حل این بحران هستند. اکنون آنکارا متوجه شده است که مرزهای منافع و حساسیت های منطقه ای ایران در مورد سوریه کجاست و تا کجا می توان پیش رفت. از سوی دیگر در ایران هم دیدگاه های واقع گرایانه ای نسبت به نقشی که ترکیه می تواند در منطقه ایفا کند، در حال تقویت شدن است. اکنون دولتمردان ایران متوجه این نکته می شوند که نقش دادن بیش از حد به ترکیه در تحولات منطقه ای شاید منجر به افزایش نقش دیدگاه غربی در تحولات منطقه ای و به تبع تضعیف نقش بازیگران مهم منطقه ای از جمله ایران شود. اما به هرحال اگر در بحران سوریه، ایران و ترکیه با یکدیگر همکاری نزدیک تری داشته باشند، می توانند زمینه های حل بحران را فراهم سازند. اگر ترکیه در چارچوب راه حل غربی بخواهد ایفای نقش کند، همین امر موجب ایجاد اختلافات منطقه ای خواهد شد که نه تنها منطقه را از حل بحران سوریه دور می کند بلکه واکنش قدرت هایی چون روسیه و چین را نیز در پی خواهد داشت. بهترین نقشی که ترکیه می تواند در منطقه ایفا کند، همان پلی است که میان دیدگاه های منطقه ای و غربی و بین المللی ارتباط ایجاد می کند.

۶-۶.گسترش روابط ترکیه و اسرائیل

ترکیه پس از شکل‌گیری اسـراییل این رژیم را بـه عنوان کشور به رسمیت شناخت، اما با توجه به اصل مداخله نکردن در منازعات منطقه، روابط چندان مستحکم و گسترده‌ای را با این رژیم برقرار ننمود. وقوع انقلاب ایران در سال ۱۹۷۹، وجود عراق با زیاده‌خواهی‌های صـدام، آگـاهی از تغییرات جهان در پی لرزش و فروریزی دیوارهای کرملین، سیاست‌های سوریه در برابر استان هاتای و حمایت از پ.ك.ك. و غیره بخشی از واقعیت‌هایی بود که ترکیه را بر آن داشت روز به روز در بیست سال گذشته به اسراییل نزدیك‌تر شود، به گـونه‌ای که وقـتی روابـط میان دو کشور در اواسط دهه ۱۹۹۰ بـه نـقطه اوج خـود رسیده بود، تل‌آویو و آنکارا را به این اجماع رساند تا برای کنترل سیاست‌های همسایگانش به همکاری‌های راهبردی-امنیتی بیشتری آورند. روابط ترکیه و اسـراییل در دهـه ۱۹۹۰ بـا توجه به برخی تحولات در نقطه اوج خود قرار داشـت که این رونـد طی سال‌های اخیر در حال کاهش است. ترکیه هنوز در پی دستیابی به فن‌آوری نظامی اسراییل است. رژیم اسراییل و ترکیه در زمینه تولید تـجهیزات نـظامی، تـبادل اطلاعات، آموزش مشترك، تبادل کارکنان نظامی جهت نظارت بر تـمرینات نظامی، تولید

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.4.8.5]

هواپیماهای بدون خلبان، بهینه‌سازی هواپیماهای ترکیه در اسراییل و ورود ناوگان‌های جنگی به بنادر یکدیگر همکاری نزدیکی دارند. ادامـه چـنین وضـعیتی بی‌شك در مقابل منافع و امنیت ملی ایران قرار داشت به‌ویژه اینکه در این دوران با سـر کار بـودن کمالیست‌ها در قدرت،روابط ترکیه و ایران وضعیت مساعدی نداشت.ادامه این روند به معنای گسترش روابط با اسراییل و تـقلیل روابـط بـا ایران که می‌تواند نامناسب‌ترین وضعیت در نقش اسراییل در روابط ایران و ترکیه باشد. (ملک محمدی، ۱۳۸۵: ۵۶)

به گونه حتم، همراهی ترکیه و اسرائیل می تواند در جهان عرب، آسیای میانه، قفقاز و شرق و حتی حوزه امنیت منطقه ای مانند خلیج فارس، تاثیراتی داشته باشد. این امر با توجه به روابط امنیتی و حتی نظامی کشورهای عربی با این دو بازیگر قابل تحلیل است. (لاسجردی، ۱۳۹۲)

اتحاد ترکیه و اسرائیل زمینه گسترش ناتو به شرق و مشخصا به جمهوری آذربایجان را فراهم می‌سازد و این مساله، تهدیداتی را علیه ایران و روسیه رقم می‌زند. علاوه‌براین، سایه واشنگتن به‌روشنی پشت سر تفکر شکل‌گیری مثلث ترکیه ــ اسرائیل ــ آذربایجان مشاهده می‌شود. ازآنجاکه آسیای مرکزی و قفقاز از مناطق مهمی هستند که منافع امریکا و متحدانش در آنجا با روسیه و ایران برخورد می‌کند، شکل‌گیری چنین اتحادی مواضع ایالات‌متحده و متحدانش را در منطقه تقویت می‌نماید و این امر، با امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران همخوانی ندارد(حسنی، ۱۳۷۹: ۲۳).

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.4.8.5]

۷.نتیجه گیری

مقاله حاضر،در پی تبیین الگوهاي تضاد و همکاري دو کشـور ایـران و جمهـوري ترکیـه درروابط فیمابین بود. آنچه گذشت ،نشان می دهد که مناسـبات دو کشـور همسـایه همـواره تـو أم بـا درگیري و همبستگی بوده است. پیروزی اسلام گرایان در ترکیه موجبات تغیرات اساسی در سیاست داخلی و خارجی این کشور را فراهم آورد. از آنجا که موضوع مقاله حاضر بررسی الگوهای تعامل و واگرایی در روابط ایران و ترکیه در دوره اردوغان بر اساس نظریه سازه ا نگاری بود، تمرکز بحث بر سیاست خارجی این کشور و چالشهای آن با ایران در خاورمیانه قرار گرفت. از مجموع این مباحث بدست آمد که براساس نظریه سازه انگاری، منفعت محوری و مصلحت اندیشی مهمترین اصول دکترین نوعثمانی گری هستند. این سیاست گرچه توانسته از نظر اقتصادی، ترکیه را ارتقا دهد، اما از نظر سیاسی و امنیتی چالش هایی برای این کشور ایجاد کرده است. در سطح منطقه ای دخالت مستقیم ترکیه در سوریه و عراق موجب تهدید منافع استراتژیک ج.ا.ایران شده که از منظر سازه انگاری در سیاست خارجی خود اولویت های فرهنگی و عقیدتی خاصی را دنبال می کند. رویکرد نوعثمانی گری ترکیه درخاورمیانه موجب شده تا این کشور به عنوان رقیب نامطمئن در دستگاه سیاست خارجی ایران تعریف شود. به ویژه با آشکار شدن این مسأله که ترکیه به حمایت از داعش به عنوان یک گروه تروریستی می پردازد و با آن روابط تجاری دارد، وجهه ترکیه در بین کشورهای منطقه را مخدوش کرده و نگرش ایران را نیز نسبت به این کشور دستخوش تغییر کرده است. البته چالش هایی که از گسترش روابط دو کشور ممانعت می کند علاوه بر اینها، از نوع روابط ترکیه با اسرائیل نیز تأثیر می پذیرد. به ویژه اینکه ترکیه با اسرائیل همکاری های نظامی دارد و رزمایش نظامی برگزار می کند و ایران این امر را تهدیدی برای گسترش نفوذ اسرائیل و در خطر گرفتن بیشتر جبهه مقاومت می داند. اما روابط دو کشور ایران و ترکیه در دوران اردوغان فقط به نقاط تقابلی و سیاست های متعارض ختم نمی شود و مؤلفه های مهم در سیاست خارجی دو کشور، آنها را به سمت همکاری نیز سوق می دهد. در همین راستا، اشاره ای کوتاه به مواردی می کنیم که زمینه را برای گسترش مناسبات دو کشور فراهم می کند.

روابط ترکیه و ایران در عراق، نقاط مشترکی نیز دارد. از جمله این مباحث، می‌توان به حفظ

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.4.8.5]

یکپارچگی سرزمینی عراق، تأمین حقوق همه گروه‌های قومی و مذهبی و جلوگیری از نفوذ رژیم صهیونیستی در شمال عراق اشاره کرد. هر دو کشور از ناحیه عراق امن و باثبات سود خواهند برد و مایلند همسایه مشترکشان بعد از این، پایگاه گروه‌های تروریستی ضد ترکیه (مانند پ.ک.ک و پژاک) و ضد ایرانی (مانند گروهک سازمان مجاهدین خلق و گروه‌های مسلح کردی) نباشد.

پس از روی‌کارآمدن «اردوغان» و دردوان اردوغان دکترین سیاست خارجی این کشور «به‌صفررساندن تنش با همسایگان» تغییر یافت. این سیاست اخیرا جای خود را با مذاکره دیپلماتیک برای حل بحران روابط با همسایگان تغییر یافته است.

از دیگر گام‌های مثبت دیپلماتیک ترکیه درباره بحران سوریه برداشته شد. بنابراین ترکیه در دوران اردوغان می‌خواهد به دوران سیاست خارجی خود قبل از بیداری اسلامی برگردد و نقش میانجی در بحران‌های منطقه‌ای بازی کند. درمجموع، مي توان گفت خط روابط ایران و ترکیه با همه فراز و نشیبهاي همیشگي به پایین نخواهد آمد . ترکها تا به حال سعي کرده اند خود را در کنار ایران و دوست نشان دهند. از نظر اقتصادي نیز آنها دوست دارند روابطشان را با ایران بیش از این نیز افزایش بدهند، زیرا بدون شك تحریم نفتي ایران، جامعه ترکیه را نیز تحت فشار قرار خواهد داد. همچنین جمهوري اسلامي ایران در روابط دیپلماتیك با ترکیه باید به این نکته دقت کند که رابطه اش با ترکیه تنها رابطه دو کشور مسلمان نیست ، بلکه رابطه دو کشوري است که نظام سیاسیشان هم متفاوت است ؛ بنابراین ، باید در میز مذاکره و روابط دیپلماتیك با ترکیه همه چیز با خونسردي و واقعگرایي تمام در نظر گرفته شود . به دلیل آنکه روابط بین الملل، بده ، بستان دیپلماتیك است، در این روابط نباید احساسات را دخیل کرد. باید به مقوله «لزوم جداسازي مقولات مختلف در عملکرد دیپلماتیك» توجه کرد، زیرا اگر ایران حرکت ترکیه در موضوع سوریه را نمي پسندد و با دیدگاه اش سازگار نیست، نباید آن را به مسائل دیگر داخل کرده، انتظار داشته باشد همه کشورها مثل او فکر کنند. ضمن اینکه باید دانست که ممکن است در آینده نزدیك ترکیه نیز مجبور شود از خطي که اکنون درباره سوریه دنبال مي کند برگردد. بنابراین، ایران و ترکیه دو کشور با اهمیت در منطقه هستند که با همه اختلافاتشان توانسته اند اراده خود را براي همزیستی مسالمت آمیز در قرن بیستم و اوایل قرن بیست و یکم به

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.4.8.5]

اثبـات برسانند. توانایی این دو کشور براي ادامه روابط حسن همجواري بستگی به دو عامـل دارد؛ یکـی چگونگی تفسیر آنها از رویدادهاي منطقه و جهان و دیگري شخصـیت هـا یی کـه در هـر کشـور برسرکار می آیند.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

سال دهم ، شماره چهارم، زمستان۱۳۹۹

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.4.8.5]

منابع

ازغندی،علیرضا،(۱۳۸۷). دانشنامه حقوق وسیاست،سازنده گرایی: چارچوبی تئوریک برای فهم سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، دانشکده حقوق وعلوم سیاسی واحد علوم وتحقیقات.

اطهری، سید اسدالله (۱۳۸۲)، «ایران و ترکیه؛ بازخوانی روابـط دو کشور پس از جنگ سرد»، مجله راهبرد، شماره ۲۷.

امام جمعه زاده، جواد؛ میرکوشش، امیرهوشنگ (۱۳۹۲)، «آینده روابط آمریکا و چین: همکاری ؛ رقابت»، فصلنامه پژوهش های روابط بین الملل، دوره نخست، شماره نهم .

امیرمحمدی، محمد (۱۳۸۳)، «سازه انگاری در روابط بین الملل»، هفته نامه خردنامه همشهری.

امینی، آرمین (۱۳۸۳)، «تحلیل روابط ایران- اتحادیه اروپا از منظر سازه گرائی»، فصل نامه تخصصی علوم سیاسی، سال نخست، پیش شماره یکم.

ایران -ترکیه؛ گامی به سوی غلبه همکاری ها بر تعارضات منطقه ای، (۱۳۹۳). خبرگزاری جمهوری اسلامی (ایرنا).http://www.irna.ir/fa/NewsPrint.aspx?ID=۸۱۱۹۳۷۵۴

بهالا، روا،(۱۳۹۳). «منافع و مخاطرات کرکوک، ترجمه مرجان بارانی»، دو ماهنامه چشم انداز ایران، شماره ۸۹.

تسنیم، «واکاوی حمایت ترکیه از تروریست‌های داعش»، خبرگزاری تسنیم، در تاریخ ۲۹ خرداد ۱۳۹۳.

حاجي يوسفي، اميرمحمد، (۱۳۹۰)، "نظريه والتز و سياست خارجي ايران: مطالعه مقا يسه اي دوران جنگ سرد و پساجنگ سرد" ، فصلنامه سياست خارجي، تهران: دفتر مطالعات سياسي و بين المللي وزارت امور خارجه سال۱۶ ،شماره۴ ،صص ۱۰۳۰ -۱۰۰۵ .

حسنی، سیف‌علی،(۱۳۷۹). «تهدیدات ناشی از اتحاد استراتژیک ترکیه و اسرائیل علیه جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک، سال اول، دوره دوم، شماره ۷.

خسروی، علیرضا و میر محمدی، مهدی، (۱۳۸۳). «بررسی اهداف ، برنامه ها و زمینه های حضور اسرائیل در عراق پس از صدام»، خاورمیانه ۳، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر تهران .

داود اوغلو، احمد، (۱۳۹۱)، عمق راهبردي؛ موقعيت تركيه در صحنه بين الملل، ترجمه محمدحسين نوح ي نژاد ممقاني، تهر ان : انتشارات اميركبير، چاپ اول.

دولت آبادی، فیروز (۱۳۹۳)، «ایران، ترکیه، آذربایجان و نقشه راه آینده قفقاز»، دیپلماسی ایرانی، ش۲.

روزنامه فرهیختگان، (۱۳۹۴ اسفند). ایران ـ ترکیه ضرورت بهبود روابط .

سیمبر، رضا و قاسمیان، روح الله (۱۳۹۳)،"مؤلفه های اساسی محیط امنیتی ایران و سوریه". فصلنامه پژوهشهای راهبردی سیاست، سال سوم، شماره ۹.

شفیعی، نوذر و فاطمه رضایی،(۱۳۹۱ تابستان). "نقد و ارزیابی نظریه سازه¬انگاری"، مجله علمی تخصصی پژوهش¬های سیاسی، سال اول، شماره چهارم.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.4.8.5]

شیخ عطار، علیرضا، (۱۳۸۲). «کردها و قدرت های منطقه ای و فرامنطقه ای»، معاونت سیاست خارجی مرکز تحقیقات استراتژیک.
صادقی ، احمد. (۱۳۸۷).« تبارشناسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران ؛جایگاه هویت ، فرهنگ و تاریخ»، فصلنامه سیاست خارجی ، سال ۲۲، ش۲.
صدیق بطحایی اصل، میرابراهیم؛ صراف یزدی، غلامرضا و صبری، محسن (تابستان۱۳۹۱)،"نقش و تاثیر حزب عدالت و توسعه در گسترش روابط ایران و ترکیه"،فصلنامه تخصصی علوم سیاسی،شماره۱۹،صص۱۷۵-۲۰۳.
عیوضی، محمدرحیم و حسینی، عبدالله(۱۳۹۶)، "آینده روابط ایران و ترکیه در پرتو تحولات چند سال اخیر جهان عرب"، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام،سال چهارم،شماره ۱۴،صص۹۵-۱۱۵.
غائبی،محمدرضا(۱۳۹۵)،" اقتصاد سیاسی روابط ایران و ترکیه در دوره حکومت حزب عدالت و توسعه"،فصلنامه سیاست خارجی،سال۳۰،شماره۲،صص۸۵-۱۱۳.
قنبرلو، عبدالله، (۱۳۹۰) ،" نقش کنشگران فراملي در جنبشهاي ۲۰۱۱ جهان عرب "، فصلنامه مطالعات راهبردي، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردي، سال ۱۴ ،شماره ۲ ،صص ۲۳۳-۱۹۹.
کرمی، جهانگیر،(۱۳۸۳). "سیاست خارجی از منظر تکوین-گرایی اجتماعی"، فصلنامه راهبرد، شماره ۳۱.
کریمیان، کامل،(۱۳۸۳). تعاملات و نگرش کردها به بازیگران داخلی و خارجی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
کوزه گر کالجی، ولی (۱۳۹۰ اردیبهشت)، «استقرار سیستم دفاع موشکی ناتو در ترکیه: دلایل و پیامدها»، فصلنامه های پژوهشکده تحقیقات راهبردی، ش۱۰.
گودرزی،مهناز(۱۳۹۲)،"جهانی شدن و منطقه گرایی:تعامل یا تقابل(مطالعه موردی سازمان همکاری شانگهای)"،مطالعات اوراسیای مرکزی،دوره۷،شماره۲،صص۳۳۵-۳۵۳.
مشیرزاده، حمیرا، (۱۳۸۶)، تحول در نظریه‌هاي روابط بین‌الملل. تهران: سمت.
ملك‌محمدی، حمید رضا،(۱۳۸۵). ترکیه و اسراییل دو ستون جدید منطقه‌ای، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق(ع).
میر کوشش، امیرهوشنگ (۱۳۹۲ اسفند)، «روابط ایران و ترکیه در پرتو تحولات منطقه ای»، تحریریه مجله الکترونیکی انجمن ایرانی روابط بین الملل.
هادیان، ناصر، (۱۳۸۲)، «سازه انگاري: از روابط بین‌الملل تا سیاست خارجي». فصلنامه سیاست خارجي. سال هفدهم. شماره (۴).
واعظی، محمود،(خرداد ۱۳۸۶). «تعامل ایران و آمریکا در عراق»، همشهری دیپلماتیک، سال دوم، شماره چهاردهم.
الوقت (۱۳۹۴)، «نقش ترکیه در روند تحولات سیاسي- امنیتي عراق»، تحلیلی، تبیینی و خبری الوقت، در تاریخ۲۴ اردیبهشت، به آدرس اینترنتی:http://alwaght.com/fa/News/9942/

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.4.8.5]

وهاب پور، پیمان.(۱۳۸۴). «نقشآفريني اتحاديه اروپا از ديدگاه سازهانگاري»، پژوهش حقوق و سیاست، شماره ۴ .
یزدان فام ،محمود و حمیرا مشیر زداه و نبی الله ابراهیمی (۱۳۸۹)، دگرگونی در نظریه ها و ومفهوم امنیت بین المللی، تحول مفاهیم در روابط بین الملل، تهران ،پژوهشکده مطالعات راهبردی.
یلیس، جان؛ اسمیت، استیو، (۱۳۸۳ (، جهان یشدن سیاست: روابط بینالملل در عرصه ي نوين، ترجمه ابوالقاسم راهچمني و ديگران، تهران: مؤسسه فرهنگي مطالعات و تحقيقات بين المللي ابرار معاصر، چاپ دوم.

Adler, E. (1997).“Seizing the Middle Ground: Constructivism in World Politics”. European Journal of International Relations. Vol. 3(3).

Checkel, Jeffrey. T. (1997).“Norms and Domestics politics: Bridging the Rationalist-Constructivist”. European Journal of International Relations, Vol. 3(4)., 1997.

Lindenstrauss, G. M. (2018). Turkey and Iran: Two Regional Powers and the Relations Pendulum. https://www.researchgate.net/publication/323757097.

Went, Alexander, "Collective identity formation and the international state", American Political Science Review, vol. 88, no. 2, 1994.

Zehfuss, Maja. (2002). Constructivism in International Relations, London: Cambridge Univ.

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۱۰۰۴۰۸

به این مقاله این‌گونه ارجاع دهید:

موسوی، سید محمد (۱۳۹۹)، «الگوهای تضاد و همکاری در روابط ایران و ترکیه در دوره دولت اردوغان در چارچوب سازه انگاری» فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، س۱۰، ش۴، زمستان ۹۹، صص ۲۰۹-۱۷۹.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.4.8.5]